

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیه
جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك مالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ قرانك
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان صغری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

باعتنا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

پنج شنبه ۲۸ جمادی الاخری ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۰ مرداد ماه جلالی ۱۳۲۹ و ۱۸ و ۱۹ اوت ۱۹۰۷ میلادی

(مکتوب یکی از علماء جلیل)

عرض میشود بعد از تبریک از انتشار ثانوی
جبل المتین زحمت میدهد که اولاً ملفت باغز
مدرجات ذیل را برای اخطار و ایقاس نه برای بحث
و اعتراض عرض مینماید
ثانیاً در شماره ۸۰ در عنوان راجع با انتخابات بلدیہ
شرح مکتوب شهری که متضمن دستور العمل مدیر محترم
اداره هم بود مرقوم فرمودند الحق والانصاف مطالبی
در کمال صحت و ايقان و واقع امر و دلایلی بحال
ملت و مملکت را فرمودند مسلم است که و کلاء مجلس
محترم بلدی باید همین قسم ها باشند ولیک میخواهم
عرض کنم همه بهتر از من میدانند مخصوص مدیر
روشن ضمیر يك فطرت جبل المتین که دولت ایران
شش هزار سال است که مستقل بوده و باستقلال هرچه
تمام تر سلطنت میکردند در این اواخر استبداد و
بدویت را با استقلال ترکیب و تزویج نمودند نتیجه
و اولادی که از این دو پیدا شد دو اولاد ناخلف که اسم
یکی ظلم بلا نهایه و یکی دیگر ملوک طوایفی که هر يك
از حکام و رؤساء قبایل در هر بلد و هر طایفه سلطنت
باستقلال داشتند و فعال مایشاء بودند تمام بندگان
خدا را عبید و اماء خود میدانستند بهیچوجه نمیگذاردند
کسی رایحه جانفزی السانیت و عدالت و مدنیت را
استشمام نماید کجا کسی قدرت داشت که کلمه از معارف
و قوانین عدالت را تفوه کند فضلا از تحصیل علوم
جدیده مفیده بحال بلد و عامه هنوز داستان شبانه در
ساعت ۶ از شب گذشته را که جناب حاجی شیخ
محمد علی دامغانی را میر غضب های حکومت بخاهاش

ریخته گرفته کنک زنان لخت کرده بمنزل حکومت
بردند بهوش جناب . . . فراموش نکرده ایم مگر
جناب معظم چه کرده بود چه گفته بود که اینطور
بدل او را گرفته بر سرش بیاورند فقط محض غیرت
فطری دو کلمه جسته جسته از معارف و حقوق را برای
برادران دینی و وطنی خود اظهار نمود که در دنیا
این قسم عوانم هم برای افراد هر ملتی هست در این
صورت کجا کسی قدرت تحصیل این علوم را داشت
مگر اولاد نزرکان از طبقه جلیله شاهزادگان عظام و
وزراء فخام آنها در فرنگستان که مملکتشان آزاد و
مشروطه میباشد اگر در این علوم تحصیلی کرده باشند
اگر چه گمان نمیکنم بجهت آنکه آنها هم گمان
مشروطه عدن ایران را نمیکردند تا بگویند که بکروزی
شاید اینگونه علوم را محتاج شویم بر فرض اینکه بعضی
از آنها هم تحصیل این علوم را کرده باشند نمی آیند برای
اهل هر محله وکالت نمایند و باعرض اینکه قبول وکالت
برای اهل محلات بنمایند اولاً از قانون بلدیہ خارج
نشدن این ثابا با کدام اطمینان با این اتاری که از قاطبه
انها بروز میکند پس توقع عالم بودن وکلاء محل جلی
اصکال دارد و این قائله را تابحشر لنگ خواهیم دید
بهر اینستکه در ماده وکلاء محل در اداره جلیله بلدیہ
بذل جهد ووقت نظر و امتحانات در فقرات ذیل بشودند
در علمیت ذکاوت هوش عقل معاش غیرت حب
وطن بیطمعی عدم ملاحظه از دوست و رفیق واقربا
و غیرهم اطلاع بطریقه تنزل اسما و ارزاق معرفت
بحال متقلین از کسبه و طریقه قلب آنها قبول نکردن
رشوه معرفت بحال فقراء و ضفا و اغنیا برای اداء حقوق

تقلبه انصافی و بیطرفی و اطلاع فی الجمله بطریقه تمیزی و پاکیزگی کوجه و خیابانها و معابر و اسواق برای حفظ صحت دوری از استبداد و تحریک محرکین برادری کردن ببناء وطن خواستن برای آنها آنچه را که برای خود بخواهند ملاحظات از نوع و ملت را مقدم داشتن بر خود و اسدقاء از این قبیل صفات را دارا باشند علمیت کامل را بسمی و اهتمام رئیس بلدیہ باید حواله نمود که هم از روی علم اقدامات بفرمایند و هم وکلارا مندرجا تسلیم بفرمایند که انشاء الله در دوره دوم تمام وکلا با علم شده بلکه میخواهم عرض کنم در زمان اسفاد مجلس نظار را هم از فواید علوم خود بی بهره نفرمایند تا رفته رفته زمان ختم دوره اول و تعیین وکلاء دوره ثانی غالب از نظار هم قابل انتخاب و وکالت شوند کم کم آدم بشویم و علوم لازمہ در این امر را بتوجهات حسنه و اقدام ریاست بلدیہ تحصیل و تکمیل نمائیم والسلام الاحقر اقل خدام العلماء عبدالحسین

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(سه شنبه ۲۶ شهر جمادی الثانیہ)

آقای محمد تقی لایحه مفصلی قرائت کردند که مبتنی بود بر دفع و رفع اشرار و فسادین و کسانیکه کتبا یا لسانا توهین بشرع و عاقلان و علمای اسلام مینمایند چنانچه بعضی از شب نامه نویسها که میخواستند باین راه تخریب از اسامی مقدسین نمایند و باختلاف کلام بزعماء و تقنین و توهین بشخص محترم خواستند رخه کنند چون دست شان از این جهات کوتاه شد حال باسم دیگر و عنوانی تازه دست اندر کار شدند این اشخاص که پایه دینداری و مذهب شان بهیچ وجه معلوم نیست خودشانرا باسم مشروطه طایف بزبان دوستانه جاوه و روز میدهند و مردم را دور خود جمع می نمایند چنانچه بر شب گذشته یحیی میرزا بهدار مجلس جمعیتی جمع کرده بچند نفر دیگر آنچه توهین و نسبت بود بحجج اسلام و وکلاء محترم داده که رشوه میگیرند و وزیر داخله بهمه اینها رشوه میدهد البته مجلس مقدس باید ان شخص را خواهد که این نسبت ببرد نام از وکلاء که میداند مدلل و اثبات دارد تا او را از رتبه وکالت اخراج و مجلس را منزله از این گونه اشخاص نمایند و الا به مجازات و سیاست سخت گرفتار شود که دیگر چنین نسبت را وکلاء محترم ندهند بعد از مذاکرات زیاد آراء مختلف بود که آیا در مجلس استتعلق شود یا در عدلیه یا در نزد حجج اسلام بعضی گفتند در مجلس باید باشد زیرا که در عدلیه خود دست وزیر عدلیه داخل در این کار است آخر الامر بنا شد در همان عدلیه یا در

نزد حجج اسلام باشد در خصوص روزنامه حبل المتین مذاکره داشتند که چرا اطاق تماشاچیان را می نویسند و این حرفها همدسه آمیز را منتشر میسازد و وزیر که تمام عقلا منتقد بر کردانی و همراهی او این قدر دنبال دارد معلوم است اینها از غرض است و در خصوص ناطقین بعضی مستعدی مجازات بودند مذاکره از این شد که مجلس فوق العاده تشکیل شود تا قانون اساسی و سایر قوانین را تنقیح و تصحیح نمایند

رابورت که بیستون مدلیه را در خصوص خالصجات قرائت کردند و بعد از مذاکرات زیاد رای گرفته شد که با صدیق الدوله و نصره الممالک باشد بواسطه آن اضافه که قبول کردند در خصوص ارومیه مذاکره شده گفته شد که تلگرافی باسلامبول و لندن و جاهای دیگر شده که دولت عثمانی بجه قانون این تعدی را کرده اگر مرتفع شد فیها و الا اقدامات لازمه از طرف دولت ملت خواهد شد

صورت تلگرافی از جناب ظهیر الدوله بوزارت داخله در باب اموال منسوبه کرمانشاهیان قرائت شد باین مضمون که تحقیقات بعمل آمده قریب صد هزار تومان اموال منسوب ولی چیز قابلی موجود نیست که استرداد شود امکان هم ندارد آنچه بنظر من میرسد ثلث انرا از مال شاهزاده سالار الدوله بدهند چون باعث او بود ثلث دیگر را از مال مؤسین و محرکین بدهند یک ثلث دیگر را دولت از خود بدهد و الا غیر از این راه استرداد برای اموال نیست مذاکرات زیاد شد بالاخره چون حضرات کرمانشاهیان مدعی بر شاهزاده حاجی سیم الدوله بودند قرار شد که بروند در عدلیه تحقیق و رسیدگی شود و زیر مالیه اظهار داشتند که از برای مدبری بانک محتاج بمستخدم از خارجه هستیم که عالم و کافی باشد اگر مجلس تصویب کند بزودی بخواهیم گفتند ضروری ندارد مجلس ختم کردید و کمسیون برای مذاکرات مخفی منعقد شد

حبل المتین

خدای متعال شاهد و گواه است که ما هیچوقت راضی نمیشویم صفحات روزنامه را بلوث اغراض خود آلوده نمائیم چنانکه مکرر در صفحات جرئت دشنامها و نسبتها بمادادند که از انجمله است فواید عامه و کلید سیاسی و صور اسرافیل و غیره و ابدأ در قسم جواب فر نیامدیم و اغراض شخصی را مختلط با منافع نوعی نساختیم روزنامه ملی متعلق بهممه ملت است مل شخص غایبست که بتوانیم خیالات شخصی خود را در آن منتشر سازیم بلی بسیار میشود که اشتباه واقع میشود و مطلبی

بر خلاف واقع درج میکرد در صورت فریضه ذمه خیر خواهان است که ما را متنبه نموده تا اصلاح کنیم اما در خصوص نشر وقایع روز یکشنبه گذشته فقط ما واقف را در کمال سادگی و اختصار نوشتیم و واضح است که جراند ملی در نشر وقایع جاریه آراند و اگر یک واقعه رخ دهد که نشر آن صلاح ملک و ملت نباشد بر اولیاء امور لازم است فوراً بجراند اطلاع بدهند تا درج نکنند در واقعه رحیم خان خیلی سختتر و کثرت نوشتیم و کسی بما ایرادی نکرد ما بهمان اطمینان اینخبر را نیز نشر دادیم بر ما چه کتاه است ایراد براسا است که چرا بما اطلاع ندادند

ماهیکه در صد فساد و آشوب هستیم و از فرمایشات و کلام محترم و احکام مجلس مقدس کمال اطاعت و فرمانبری داریم بلکه خود را فدائی و بجان نثار مجلس و مجلسیان میدانیم هر امر که صادر شود با جان و مال در موقع اجراء میگذاریم اگر چه بر ضرر بلکه حکم قتل خودمان نیز باشد

(تاز میخانه و می نام و نشان خواهد بود)

(سرما و قدم بپوشان خواهد بود)

(ارومیه)

دوروز قبل تجار محترم ارومیه و زنگنه مقیم طهران از استماع اخبار ارومیه متوحش شده تلگرافخانه رفته مخابرات حضوری نموده اند که دل سنگ را کباب میکند - برای اطلاع عموم عین مخابرات را درج میکنیم (از طهران به ارومیه حضوری)

حضور انجمن محترم پنج نفر از منتخبین در تلگرافخانه حاضر شود بعضی تحقیقات بعمل آید عموم تجار افشار

(از ارومیه به طهران حضوری)

تلگرافخانه مبارکه طهران حضرات حاضرند اسامی حاضرین را بگویند حاضرین تلگرافخانه حاجی وکیلالتجار . حاجی علی آقا . حاجی مؤیدالتجار . حاج سید حسین آقا . حاجی ملا علی قلی . بات اغتشاش و قتل و غارت اکراد یاشی و تعدیات قشون عثمانی با استعمال اسلحه دولتی انواها شدید تفصیل را مشروحا از وضع شهر و دهات و اردو و مقتولین و غارت قصبه جات و غیره مفصلا اطلاع دهید امدادی بشود عموم تجار ارومیه و زنگنه و غیره در همراهی حاضریم حاجی کاظم آقا . میرزا آقا یک آقا . محمد حسین هاشم علی . محمد آقا سیف الله عموم زنجانی ها

(از ارومیه به طهران - جواب حضوری)

تعدیاتی که باین فقرا وارد شده اگر شرح شود

طقت نمیتوانید بیارید مختصر بدارالشوری عرض شده تلگرافخانه طهران قویبه گرفته ملاحظه نمائید آنچه اظهار شده هزار یک نیست تمام دهات شهر غارت ذخیره قورخانه اردو منسوب حالیه قریب سیصد و پنجاه نفر مسلمان مقتول اجساد برادران در بیرون شهر قادر بدفن نیستیم کلبه اهالی شهر مضطرب امشب را نمیدانیم بسر خواهیم برد یا خیر آنی نمائند که شهر غلبه شود تمامی مسلمانان منتظر مرگ دفنی کوچه و بازار صدای وا محمدا زن و بچه بیصاحب دهاتیان در هلاک هستند دقیقه دقیقه قتل و غارت دشمن شدت کرده از دهات جائی نمائند که قتل و غارت نشود عموماً در شهر متحصن در حالت اضطرار بدفع بلاهای وارده ناگهانی این غیرت مندی شما و عموم مسلمانان هموطنان زنجان را در اینموقع تشکر نموده و امید وار شدیم ولی نوعی همت فرموده باحوال ما دلسوزی بدستباری دارالشوری بجز الحاح اولیا ع با خیلی فوریت در حق ما علاجی و بدفاع فوری دشمن چاره نمائید البته بمقتضای عصیت و وطن پرستی ترک آسودگی خودتانرا نموده بطور امکان بجایهای لازمه بکوبید

(مکتوب یک از فضلاء نامی از شمیران)

نه موظف از دولتیم نه مجری احکام ملت آنچه میدانیم بنویسیم و نمیرسیم (آز مودم مرگ من در زندگی است - چون رهم ز این زندگی بایندگی است) ملت آله اجراء خیالات کیست - (انکس) که میدانید ؟ بچه دلیل بدلیل عزل و نصب ؟ اثر عزل چه بود - کلبه شدن عکس مسیو نرولشرآن در بلاد ایران و تهنیج مسلمانان ؟ توسط کی - یکی از رجال دولت یا یکی از شاهزادگان ؟ نتیجه این کار چه بود - عزل مسیونر ؟ این عزل که نفع ملت بود پس شکایتی نیست - غرض شکایت نبود حکایت بود که مات آله اجراء خیالات یک نفر است ؟ عزل مسیونر که از برای این شخص فائده نداشت - سورت و صوت طرف را میشکست ؟ این کار که موجب ضرر نبود بلکه نفع ملت بود اولاً الاعمال بالنیات ثاباً سرمای حضرت عبدالعظام کرمانی هم انصاری حجج اسلام شهید شدن سیدین و قده مسجد جامع تحصن در سفارت ضرر تجار و کسبه تبعید سمدالدوله غیرت آذربایجانی نکارش حبل المتین بر هیچ کس پوشیده نیست غرض این بود که اگر چه دست غیبی در رفع ظلم و استبداد کار مینمود لیکن دست غیبی هم بیکار نبود تا عین الدوله مزول شد دست غیبی پیشی گرفت لباس صدارت راجات مشیر الدوله پوشانیده چندی حق بر سر فرار گرفت و اختلاقی کلمه و هرج و مرج در بین ملت پدیدار نشد اما دست غیبی بسکمال چابکی و

جلالی مشور

تقی و هرج و

کلمه ملت ربلی

و ترویج ابتداء

این اختلاقی که

(بنده) منعقد

که در بین ملت

ووق مهربان

مجلس مقدس

این امر هم مط

شود و شاهدت

من از جای

از آن میترسم

باشد و ابتداء

شریک دزد با

و دولت دست

شبیخون است

در ادا زنده و ق

کلامی بر سر

فدیه بدهد

و غایق وجود

داد خواهی

خجره چیز د

هر که معصیتی

نداریم و اگر

چیز دیگر نیاو

ندانی را طفل

رحمت نه بینی

الها دیگر قوه

نمی بینیم الها

بهفتاد کرور و

که خود بهتر

بندکان خود

دادند ما را کف

واجب بودی

از قبیل و تمقم

کردن آنانکه از

اگر جزاء

بخارا و افستار

ما را کفایت نه

وللم عفو بر

چکنیز خان ما

را بر ما تسلط

حال خود رفتن

چلاکی مشغول بکار خود کردید بقصود خود نائل
 غنای و هرج و مرج درین ملت ظاهر گشت ؟ اختلافی
 کلمه ملت ربطی (باو) ندارد بلکه همیشه در همراهی ملت
 و ترویج ابتداء مملکت سعی و کوشش دارد — یا لاجب
 این اختلافی که از زمان تشکیل فراموش خانه که بتحریر
 (بنده) منعقد گشته واقع شده و این هرج و مرج دو ماه است
 که درین ملت متداول گشته مگر خدای نخواستہ شاهنشاه
 رؤف مهربان از رعایای خویش چشم پوشانده یا هیئت
 مجلس مقدس شورای از ابتداء مملکت دل سرد شده اند
 این امر هم مطالبی نیست ممکن است رفع اختلافی امت
 شود و شاهنشاه ملت بر عطوفت خود بیفزاید لیکن
 من از جای دیگر میترسم ؟ از کجا میترسم —
 از آن میترسم که اعضا دولت را نوم بیروشی ر بوده
 باشد و ابتداء ملت را خواب خرگوشی گرفته رفیق سفر
 شریک دزد باشد تا گمان دزد را خیردار کند که ملت
 و دولت دست در اغوش بگردند مدهوش گشته وقت
 شیخون است و بایران بتازید و مهره مملکت را بشش
 دراندازند وقتی بهوش آئیم که نهیاسی در برامت و نه
 کلاه بر سر انوقت بیداری اثری نبخشد و هوشیاری
 فائده ندهد کشتی حیات مملکت در گرداب نشسته باشد
 و غایب وجود ملت در مرداب شکسته هر چه داد کنیم
 داد خواهی نه بینم و هر چه فریاد زنیم جز باره شدن
 حنجره چیز دیگر نفهمیم الهی بر در کار ما مبعودا رحیما
 هر که معصیتی کرده باشیم جز حسرت و ندامت چیز دیگر
 نداریم و اگر خلاصی نموده ایم جز توبه و انابت ندرگاہت
 چیز دیگر نیابیم اگر ما را قابل الطافی خداوندیت
 ندانی راطفال خورد سال ما رحم آور اگر ما را مستحق
 رحمت نه بینی بر پیران سال خورده ما عنایتی فرما
 الهی دیگر قوه امتحان نداریم دیگر قدره مجازاة در خود
 نمی بینیم الهی اگر کوشمالی لازم بود فرض سی کرور
 بهمناد کرور و صرف درمبل و کالسکه و درشکه و آنچه را
 که خود بهتر میدانی ما را بس بودی و اگر امتحان
 پندکان خود را واجب دانستی امتیازاتی که به بیگانگان
 دادند ما را کفایت نمودی خداوند اگر عقب دنیا ما را
 واجب بودی کشتن و عزل نمودن وزرا خوب دولت
 از قبیل متمم و امیر نظام و امین الدوله و مشیر الدوله و مسلط
 کردن آنانکه از مکتوبات قلبی ایشان بهترا گاهی ما را بس بودی
 اگر جزاء مخالفة ما را در تسلط اجانب دانستی رفتن
 بخارا و افغانستان و سمرقند و قفقاز و ترکستان و عربستان
 ما را کفایت نمودی الهی رحیما بر اعمال ما خورده مگیر
 وللم عفو بر جرایم اعمال ما بکش تسلط امیر تیمور و
 چنگیز خان ما را متنبه نمودی مثل هند و قفقاز دیگران
 را بر ما مسلط فرما یا حجة الله یا صاحب الزمان ماعرض
 حال خود بتو نکوئیم بکه کوئیم و در دل خود را بتو عرض نکنیم

بکه عرض کنیم تو اکاهی و از مظلومیت ما با خبر تا که
 تا چند نشسته و دست روی دست گذارده و تبع
 بر آن نمیکشی تا داد مظلومین را از ظالمین بگیری
 (خائنین) ملت ثروة مملکت را تمام کردند و خزانه دولت
 را بیفما بردند و بشمشیر ظلم اندام مملکت را قطعه
 قطعه ساختند و هر قطعه را حق خود پنداشتند مردان
 ما را عیب خود دانستند زنان ما را امام خود خواندند
 روح ما را گرفتند جسم ما را آتش زدند اجانب را بر ما
 چیره ساختند بیگانگان را بر ما مسلط نمودند آه یا
 صاحب المصر نظر عطفونی بجانب ما نما چشم مرحمتی
 بما بکشا چنان خار و دلیل شده ایم که از هر یهود پست
 تریم جزیه از ما گیرند و حفظ اموال نکنند نمایندگان
 ایران در دول خارجه هر چه داریم بهر اسم و رسم
 بکشند و بر صغیر ما رحم نکنند و بر کبیر ما مروت
 خوش ندارند رؤسای مملکت خود را وارث ملت پندارند
 یا حجة الله الامان از ظلم این و آن هر روز بیث نوع
 از برای این امة کربه برقصانند گاهی سرچشمه مملکت را
 کل الود کنند و مامی بکشند گاهی درخت استبداد را
 آب باری نمایند و میوه چینند گاهی تیشه بریشه سلطنت زنت
 و اجانب را تحریک کنند یا صاحب الزمان ما طاعت اجراء
 قوانین روس و آلمانرا نداریم و قدره تحمل احکام انکبوس
 و عثمانی در خود نه بینیم آخر نظری و عنایتی لطیفی و مرحمتی
 اینک نظر کن که هر روز بین دولت و ملت فتنه کنند و آغوش
 اندازند ملت را از دولت دل آزرده و دولت را از ملت پریشان
 خاطر سازند یا حجة الله نه دولتی باقی است نه ملتی نه سروتی
 بقیامت و نه مکتبی با (خائنین) راه را بتی و مامت الهی
 رسد و یامرک عاجلی عنایت نما تا مملکت را کشایشی پیدا شود
 (اهل العلم محمد علی الطهرانی)

(اعلان و تشکر)

خدمت جناب مستطاب مدیر محترم روزنامه
 مبارکه حبل المتین معروض میدارد باقبال جناب عالی ساعت
 جنس بنده که قریب یکماه بود از جیب افتاده و در نمره
 هشتاد و دو در روزنامه حبل المتین درج شده بود بهر
 از نشانیهای صحیح که داده شد بتوسط جناب آقا میرزا
 زین العابدین مشهور باقاباشی ساعت ساز باین بنده رسید
 و مایه شرف بنده گردید که بحمد الله در ایران چنین اشخاص
 نجیب درمت پیدا شده و حق را بحق باز میمانند بیست
 و ششم شهر جمادی الاخری ۱۳۲۵ (رضاعلی مشیرالسلطنه)

(اعلان)

روزنامه هفتکی حقوق که روزنامه ایست بسیار مفید و معلم
 حقوق ملی ریخته آهنین قلم نواب والا شاهزاده سلیمان میرزا
 چند هفته است از افاق طهران طالع گشته محل توزیع و فروش
 ان در کتابخانه تربیت است غیر تمندان را مطالعه ان
 گرامی نامه نهایت مفید و واجب است

حسن الحسینی الکاشانی